

اقتصاد

مزایا و معایب «مهاجرت» زیر ذربین «اتحادملت»

ماروپله مهاجرت!

صفحه ۳

گوشه‌ای از مشکلات بزرگ رانندگان

بیمه و معیشت شاغلان بخش حمل و نقل روی دنده خلاص!

۸

سختگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه خبر داد

قیمت بنزین در بودجه ۱۴۰۳

۴

مجمع از شمول شفافیت خارج شده است؟

طرح «شفافیت» همچنان در بلا تکلیفی

۲

در نشست دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل چه گذشت؟

تاکید سازمان ملل بر

لغو تحریم‌های ایران

در جلسه شورای امنیت سازمان ملل درباره قطعنامه ۲۲۳۱ که سند قانونی توافق هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های جهانی در سال ۲۰۱۵ است، نمایندگان به بیان ارزیابی‌های خود از پایداری ایران به این قطعنامه پرداختند که با ادعاهایی نیز درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران، همکاری‌های دفاعی آن با برخی کشورهای شریک و نقش آن در منطقه همراه بود. طبق گزارشی که از این جلسه در وبگاه سازمان ملل منتشر شده است، زرماری دی کارلو، معاون سیاسی دبیرکل سازمان ملل گزارش داد که دبیرکل هنوز توافق هسته‌ای (برجام) را بهترین گزینه در دسترس برای اطمینان‌یابی از صلح‌آمیز بودن ماهیت برنامه هسته‌ای ایران می‌داند.

او همچنین گفت که بازگردانی اقدامات ناسازگار با تعهدات برجامی توسط ایران و لغو تحریم‌های نفتی ایران طبق توافق از سوی آمریکا ضرورت دارد. در ادامه، دی کارلو گفت که هیات آمریکا اطلاعاتی را به اشتراک گذاشته و مدعی شده است که شواهد آشکاری از تحویل پهپادها توسط ایران به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین دارد که البته نمایندگان ایران و روسیه استدلال خود را در رد این ادعا بیان کردند.

معاون دبیرکل سازمان ملل همچنین اشاره کرد که رژیم صهیونیستی با ارسال نامه‌هایی به این نهاد بین‌المللی مدعی شده پهپادها، موشک‌های کروز و بالستیک استفاده شده در حملات نیروهای مسلح یمن علیه رژیم صهیونیستی در ماه اکتبر و نوامبر از سوی ایران به آن‌ها عرضه شده است و نقض قطعنامه ۲۲۳۱ محسوب می‌شود.

شرح در صفحه ۷

سخن نخست



سید جلال فیاضی

چالش حقوق و تورم؛ حقوق بگیران را قربانی نکنید!

همزمان با بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۳ در مجلس شورای اسلامی که اکنون با رد کلیات آن به دولت برگشته است، بحث افزایش حقوق کارکنان دولت بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در ماه‌های پایانی سال افزایش حقوق کارگران بحث روز محافل کارگری است. نگاهی اجمالی به قوانین جاری کشور نشان می‌دهد که تعیین میزان افزایش حقوق چندان هم بدون ضابطه نیست که دولت و مقامات دولتی هر طور صلاح بدانند، بتوانند در مورد آن تصمیم‌گیری کنند.

ادامه در صفحه ۲

وزیر کشور:

حمل و نقل درون شهری ما فرسوده است



نقل درون شهری ما فرسوده است و باید اقدامات مهمی انجام داد. البته در ۲ سال گذشته اقدامات خوبی صورت گرفته و اکنون شهرداران این موضوع را در دستور کار قرار

وزیر کشور گفت: حمل و نقل در زندگی افراد نقش برجسته‌ای دارد و ما باید به بومی سازی این ناوگان در کشورمان سرعت بیشتری دهیم.

احمد وحیدی وزیر کشور در همایش روز ملی حمل و نقل اظهار کرد: زندگی امروز بخش قابل توجهی از آن به حمل و نقل وابسته است و این موضوع اهمیت فراوانی در زندگی روزمره مردم دارد و از نیازهای اساسی بشر همین حمل و نقل است. اگر چه تلاش می‌شود حمل و نقل فیزیکی کمتر شود، اما در واقع بخش مهمی از حیات انسان در بحث حمل و نقل فیزیکی تعریف می‌شود.

وی ادامه داد: حمل و نقل اصولاً یک نیاز بنیادین است و نمی‌توان از آن غافل باشیم. یکی از وجوه تحول در حوزه فناوری، حوزه حمل و نقل است که خود را نمایان می‌کند.

وزیر کشور افزود: در کشور ما موضوع حمل و نقل در همه زمینه‌های مربوط به آن اهمیت فراوانی دارد. چرا که نیاز مردم است و از لحاظ محیط زیستی و رفاه آسایش مردم مهم خواهد بود.

وی ادامه داد: حمل و نقل درون شهری که باید آن را نوسازی کرد وظیفه شهرداری‌ها است. البته حمل و

اشکالاتی که درباره آن مطرح می‌شد هزینه زیاد بودن آن است، اما اکنون برقی شدن وسایل نقلیه عمومی فصل مهم کاری ما خصوصاً در کلان شهرها خواهد بود و این موضوعات مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را در خود می‌بیند.

وزیر کشور ادامه داد: در حوزه تاکسیرانی باید زمینه را برای بخش خصوصی تهیه کنیم تا افراد بتوانند با هزینه کمتری از این تاکسی‌ها استفاده کنند. درباره اتوبوس‌های برقی در شهر کرج اقدامات خوبی انجام شده و امیدواریم در سایر شهرها نیز در این زمینه هر چه سریعتر اقدامات لازم صورت گیرد.

وحیدی گفت: باید حرکت جدی در حوزه برقی‌سازی اتوبوس‌ها ایجاد شود. این موضوع بسیار مهم است و باید زمان‌بندی را مشخص کنیم و برای برقی کردن‌ها تلاش‌هایی صورت گیرد. این موضوع هم به بهبود حمل و نقل کمک می‌کند و هم باعث پیشرفت رشد فناورانه در کشور می‌شود.

وی در پایان گفت: ما باید به بومی سازی ناوگان حمل و نقل کشورمان نیز سرعت بیشتری دهیم؛ و امیدواریم به توسعه متروی بومی خود نیز اهتمام بیشتری داشته باشیم.

پادداشت

جوانگرایی سکنه مغزی در ایران



دکتر محمد کیاسالار حقیقت تلخ است. ما زود سکنه می‌کنیم. زود و زیاد. زودتر و زیادتر از بیشتر کشورهای دنیا. آمار بروز سکنه مغزی در ایران بالاست.

بیش از ۱۰۰ هزار در سال. چیزی بین ۵/۱ تا ۲ برابر میانگین آمارهای جهانی. و غم‌انگیزتر اینکه چهره سکنه مغزی در کشورمان جوان شده. یعنی سن ابتلا به این بیماری تقریباً ۱۰ سال پایین‌تر از میانگین سنی ابتلا به این بیماری در دنیا.

این آمارها را در پانزدهمین کنگره بین‌المللی سکنه مغزی که همین چند روز پیش در هتل قلب بیمارستان شهید رجایی برگزار شد، شنیدم. و دیدم. دیدار با هائیه یوسفیان در مراسم افتتاحیه، وجه تمایز کنگره امسال بود. او اسط دهه ۹۰ بود که شناختمش. سال ۹۵ یا ۹۶. با مستند جذابش (پدر، مادر، علی، رضا و من) در جشنواره فیلم سلامت شرکت کرده بود و جایزه بهترین فیلم مستند را برده بود. با روایتی روان و درخشان از آنرا بر پدرش. آگاهی بخش و اثرگذار. فیلمش در بسیاری از جشنواره‌های داخلی و خارجی دیده شد و تحسین شد و جایزه گرفت.

حالا اما حضورش در کنگره سکنه مغزی، دلیل دیگری داشت. آمده بود در افتتاحیه کنگره سخنرانی کند و از تجربه زیسته‌اش بگوید؛ از اینکه ۲ سال پیش در اوج ناباوری در سن ۳۵ سالگی دچار سکنه مغزی شده ولی کم‌کم خودش را بازیافته و به تدریج به زندگی و فعالیت حرفه‌ای برگشته است. سخنانش با فیلم کوتاهی همراه بود که از روند درمان و توانبخشی خودش ساخته بود. کلام و کلیپ هنرمندانه‌اش آنقدر تاثیرگذار بود که مسئولان کنگره از او خواستند سفیر سکنه مغزی شود و با فیلمسازی و سخنرانی درباره این بیماری به ارتقای سواد سلامت جامعه درباره این بیماری کمک کند.

این ارتباط هنر-سلامت، یکی از حلقه‌های مفقوده در نظام سلامت ماست که تولد و توسعه ساختارمندمی می‌تواند به ارتقای سلامت جامعه منجر شود. متأسفانه نهاد هنر و نظام سلامت در کشور ما ارتباط سازمان‌یافته‌ای ندارند؛ که اگر داشتند، دست‌کم یک فیلم مستند تاثیرگذار و اطلاع‌رسان درباره سکنه مغزی داشتیم که مردم را با علایم هشدار سکنه مغزی آشنا کند، زمان طلایی و قدم اول درمانش را بگوید و... در حالی که درباره بیماری‌هایی با شیوع بسیار کمتر، فیلم‌ها و مستندهای متعدد و موثری ساخته شده؛ درباره بیماری‌های مهم و شایعی مثل سکنه مغزی، آه در بساط نداریم. جای سازمان یا سازوکاری که این نقایص میان‌رشته‌ای سینما-سلامت را شناسایی و تدبیر کند، بدجوری خالیست.

وقتی سازمان‌های بین‌المللی، ایران را به عنوان یکی از ۱۰ کشور برتر در زمینه درمان سکنه مغزی معرفی می‌کنند و توأمان هشدار می‌دهند که آمار بروز سکنه مغزی ما ۲ برابر میانگین جهانی است؛ یعنی یک جای کار می‌لنگد. یعنی حواسمان به پیشگیری نیست. راه پیشگیری از سواد سلامت می‌گذرد. سواد سلامت به آگاهی عمومی نیاز دارد و آگاهی‌بخشی عمومی دقیقاً همان حلقه اتصال است که نهاد هنر و نظام سلامت را به میانگیری رسانه به هم پیوند می‌دهد و به هم افزایش منجر می‌شود. گره‌های سلامت ما یکی‌دوتا نیستند. کنگره‌هایمان برای گره‌گشایی باید علاوه بر توجه به مخاطب خاص، نگاهی نیز به مخاطب عام داشته باشند. ما در کنگره‌های علمی علاوه بر توجه به تازه‌های علمی، به فضا سازی مناسب برای اطلاع‌رسانی عمومی نیاز داریم. پانزدهمین کنگره سکنه مغزی این قدم را با نگاهی هنرمندانه برداشته است. کاش کنگره‌های دیگرمان نیز حواسشان به این گره‌گشایی باشد.

پادداشت

بحران سازی تضمینی از صادق بوقی تا شفیعی کدکنی



سید عبدالجواد موسوی یکی از هنرهای دولت محترم کنونی ساختن بحران برای خودش هست. یعنی اگر در دوران دولت آقای خاتمی رقیبان و دشمنان قسم خورده‌ای وجود داشتند که هر نه روز یک بار برای دولت اصلاحات بحران درست می‌کردند در دولت محرومان نه رقیب و نه دشمنان بلکه دوستانی وجود دارند که هر روز که چه عرض کنم بلکه هر ساعت و دقیقه برای دولت مطبوع و مطلوبشان بحران آفرینی می‌کنند.

نه این که بندگان خدا نیت بدی داشته باشند بلکه اقتضای طبیعتشان این است. یا از بس برای این و آن بحران درست کرده اند که ترک عادت نمی‌توانند کرد و یا این که از بس کار نابلدند که می‌خواهند ابروی طرف را درست کنند اما چشمش را کور می‌کنند. نمونه و مصداق می‌خواهید؟ الی ماشاءالله. هر روز که چشم باز می‌کنید فقط نگاهی به سر تیرتر خبرها بیندازید تا ببینید یا بحران‌های به وجود آمده چندتاییش کار خود حضرات است. باز خدا پدر اصلاح طلب‌ها و روزنامه نگارها را بیامرزد که فعلاً وجود دارند و نفس می‌کشند که اگر همین چندتا روزنامه نگار و اصلاح طلب در میان نبودند معلوم نبود کاسه کوزه‌ها را بر سر چه کسی می‌خواستند بشکنند. اصلاً یکی

از دلایلی که طنزنویسی مطبوعاتی به‌خنس خورد این بود که طنز نویسان از آدم‌های به ظاهر جدی روزگار ما عقب ماندند. یعنی هر چه قدر هم طبع و ذوق خود را به زحمت انداختند دیدن نمی‌توانند به قوت و قدرت مسئولان کنونی انبساط خاطر ایجاد کنند. علاوه بر این، سوژه آن قدر زیر دست و پا ریخته که آدمی نمی‌داند به کدامشان اشاره کند. همین دیروز دو سه موضوع بحران‌زا و در ضمن طنزآمیز از سوی دولتمردان کلید زده شد. واقعا حوصله این که به همه آن‌ها اشاره کنم ندارم منتهی یکیش واقعا نویر بود. آن هم ماجرای کتاب شعر استاد شفیعی کدکنی. یعنی همین که چنین موضوعی می‌تواند از سوی مسئولان تبدیل به یک بحران شود و کلی آدم را درگیر این موضوع کند جای تقدیر و تشکر فراوان دارد. آن‌هایی که فکر می‌کنند مسئولان کنونی با پدید آوردن و یا دامن زدن به ماجرای صادق بوقی می‌خواستند فسان تاریخی چای دیش را ماست مالی کنند این بندگان خدا را زیادی جدی گرفته‌اند. این بزرگواران ذاتا و مادرزاد بحران آفرینند و اگر کسی آن‌ها را در یک جزیره خالی از سکنه هم‌رها کند بازهم بر همین منوال رفتار خواهند کرد.

داشتیم از کتاب شعر آقای شفیعی کدکنی می‌گفتم. حضرات جویری درباره کتاب ایشان اطلاع رسانی کرده‌اند کانه این اتفاق نخستین بار است که در حال رخ دادن است. همیشه خدا کتاب‌ها حالا-نویسنده اش هر کسی که می‌خواهد باشد-در وزارت فخیمه ارشاد توسط کسی و یا کسانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. از زمان مادها تا اکنون! اصلاً هم اتفاق عجیبی نیست. همان طور که ناصر تقوایی و اصغر فرهادی

هم اگر بخواهند فیلم بسازند باید فیلمنامه‌هایشان را بدهند وزارت ارشاد تا تصویب بشود. همان طور که شهرام ناظری و حسین علیزاده باید برای برپایی کنسرت و یا انتشار آلبومشان از وزارت ارشاد مجوز بگیرند. اصلاً چیز عجیبی نیست. جالب این که در تمامی این سال‌ها هم کتاب‌های استاد کدکنی برای انتشار هیچ وقت مشکلی نداشته‌اند. خودم شاهد بودم که کتاب چراغ و آینه استاد را داده بودند برای ارزیابی به یکی از شاعران و ایشان هم نوشته بود: استاد کدکنی هرچه بنویسند قابل انتشار است. آن وقت موضوعی به این سادگی و یک روال طبیعی وقتی می‌رسد به یکی از مسئولان و ایشان می‌گوید: مسئله خاصی نیست و می‌دهیم کتاب ایشان را چند شاعر ببینند و نظر بدهند، تبدیل می‌شود به یک مسئله عجیب و غریب و لاینحل! حالا هر چه قدر هم که توضیح بدهند مطمئن باشیم کار خراب‌تر می‌شود. عده‌ای هم که همیشه در کمین نشسته‌اند تا چوب حراج به آبروی این دولت بزنند سر و صدا راه می‌اندازند که: ایها الناس چه نشسته‌اید که دارند سر ادبیات ایران را می‌برند و می‌بزدند! حرف‌ها را در آورده و مابقی ماجراها. مقصر این وسط کیست؟ همان مسئولی که هنوز نمی‌داند چطور باید اطلاع رسانی کند. چطور باید با اهل فرهنگ حرف بزند. چطور باید کلماتش را انتخاب کند. چطور باید گرک به دست این و آن نهد. و اصلاً من چرا دارم کار یاد این‌ها می‌دهم؟ لابد این شیوه از حکمرانی خریدارانی دارد که این‌ها روز بروز پیشرفت هم می‌کنند. رعیت را چه به این حرف‌ها.